برشی از روزنامه‌ها

موانعی که رفع شد، موانعی که ماند!

روزنامه خراسان در یادداشت دیروز خود ارزیابی شعار سال را مورد کنکاش قرار داده و نوشته است: سال ۱۴۰۰ در شرایطی رو به اتمام است که بررسی کارنامه دستگاه‌های مختلف در پشتیبانی و رفع موانع تولید ضروری است. هر چند در مجالی وسیع‌تر و با جزئیات بیشتر باید کارنامه دستگاه‌ها در این زمینه ارزیابی شود اما در همین مجال می‌توان کامیابی‌ها و ناکامی‌ها در این عرصه را ارزیابی کرد. بر مبنای آمار مربوط به شاخص جهانی فضای کسب و کار، مهم‌ترین معضل در مسیر فعالیت‌های اقتصادی، کسب مجوز شروع فعالیت است. امسال اقدامات مهمی در این زمینه صورت گرفت. طرح مجلس برای اصلاح روند صدور مجوزهای کسب و کار و حذف برخی انحصارات در این بخش و همچنین اقدام دولت برای ساماندهی به مجوزهای کسب و کار به تفکیک دستگاه‌ها، اگر چه هر دو به سرانجام نهایی نرسیدند اما تا مرحله بسیار خوبی پیش رفت و می‌توان به اجرای آن در سال آینده دلگرم بود. موضوع مهم دیگر ورود جدی‌تر دستگاه قضایی به گشایش واحدهای تولیدی تعطیل شده بود؛ واحدهایی که عمدتاً به دلیل بدهی بانکی توسط بانک‌ها تملک و تعطیل شده بودند، با پیگیری‌های مقامات قضایی در ادامه اقدامات مثبتی که طی چند سال گذشته در این مسیر شروع شده بود، به عرصه فعالیت بازگشتند. علاوه بر این، دو اقدام مثبت دیگر نیز صورت گرفت و این فهرست باید و می‌تواند به حوزه‌های مهم مرتبط با کسب و کار مانند مالیات نظام بانکی، تأمین اجتماعی و بیمه، تسهیل فعالیت کسب و کارهای دانش‌بنیان و... تسری یابد؛ حرکتی که البته در بخش‌هایی از این موارد آغاز شده و اقداماتی نیز صورت گرفته است اما بحث بر سر این است که آیا این اقدامات در نهایت توانسته موانع پیش روی فعالیت‌های اقتصادی را به نحو محسوسی کاهش دهد؟ واقعیت این است که نه، چراکه همچنان مانع اصلی که تغییرات در قواعد و مقررات دستگاه‌های اجرایی و همچنین نااطمینانی در متغیرهای اقتصادی است، کم و بیش ادامه دارد.

اولویت‌های اقتصاد در سال ۱۴۰۱

روزنامه رسالت یادداشت دیروز خود را به اولویت‌های اقتصاد در سال پیش رو معطوف کرده و نوشته است: اقتصاد و سیاستگذاری اقتصادی در کشور نیازمند تحول جدی است. نیرو و جمعیت فعال متولد دهه ۱۳۶۰ و بعد از آن به دنبال کار هستند و دغدغه کار موضوع اصلی عمده خانوارهای ایرانی است. راهکار اصلی حل عمده این مشکلات فقط سرمایه‌گذاری است. اقتصاد ایران به شرایط سیاسی مذاکرات برجام نسبتاً وابسته شده و در عمل نیازمند گذار از شرایط فعلی سیاسی خارجی است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری نیازمند تخصیص بهینه منابع در اقتصاد است. پروژه‌های عمرانی در یک دهه گذشته، به دلیل کسری بودجه و تزریق قطره‌چکانی بودجه عمرانی عملاً متوقف بوده‌اند و نیازمند راه‌اندازی و تزریق سرمایه و تکمیل هستند. حجم عظیم پروژه‌های عمرانی و پیشرفت کند آنها باید ساماندهی شود. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری از سوی بخش خصوصی نیازمند ثبات است. ثبات در عوامل اقتصادی و قابل پیش‌بینی بودن و قابلیت پوشش ریسک‌ها ضرورت اصلی اقتصاد است. در مجموع مهم‌ترین اولویت اقتصاد در سال ۱۴۰۱ سرمایه‌گذاری است و این مهم از طریق ثبات در مقررات و قوانین و ریسک‌زدایی از ریسک‌های عمده محقق می‌شود.

متحدفروشی!

روزنامه کیهان در سرمقاله دیروز خود نوشت: در همه کشورهای دنیا برخی جریان‌های سیاسی وجود دارند که بیش از اینکه در کار «سیاست» باشند، در کار تجارتند! دقیق‌تر بگوییم، «کاسبند»، می‌خرند و می‌فروشند، فرقی هم نمی‌کند چه چیزی را. وضع این جریان در کشور خودمان گاهی به جایی رسیده که چوب حراج به همه چیز زده‌اند. برخی در بدنه این جریان یک مشخصه بارز و مشترک دارند. ریشه تمام حرکات و سکنات و مواضع‌شان، به یک شکلی بازمی‌گردد به غرب. به شدت و به شکلی غیرعادی متمایل به غربند. در همه کشورهای دنیا هم یک اسم دارند: «غربگرا»! این جریان وابسته تا وقتی که کارایی دارند، مورد حمایت غربند اما به محض اینکه کارایی‌شان را از دست می‌دهند، به فروش رسیده یا به دورانداخته می‌شوند.

البته چند سالی می‌شود که برخی از این متحدانِ وابسته، چه در غرب و چه در شرق متوجه «متحدفروشی امریکا» شده و احساس خطر کرده‌اند. حالا و در فضایی که بازار «متحد فروشی» حسابی داغ شده و کشورهای غربی که وضعیت جنگ در اوکراین را از نزدیک رصد می‌کنند و بعضاً حتی به طور مستقیم وارد آن شده‌اند و به انحای مختلف به فکر استقلال بیشتر - لااقل در حوزه نظامی - از امریکا افتاده‌اند، آن جریان سیاسی در ایران می‌گوید، ما هم باید متحدمان را بفروشیم! اگر تاریخ چند دهه قبل را هم ورق بزنید، خواهید دید این جریان آلوده سیاسی در طول سال‌های فعالیتش در ایران بارها خواستار فروختن متحدان کشورمان به نفع غرب شده است. مگر در همین مذاکرات هسته‌ای، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های حریف، گنجانده شدن مسائل منطقه‌ای ایران (بخوانید متحدان منطقه‌ای ایران مثل حزب‌الله لبنان، یمن، فلسطین و...) در مذاکرات نبود؟! واکنش این جریان به این درخواست، آیا غیر از «موافقت» با این خواسته بوده؟! قطعاً منظور حریف از این درخواست این نیست که ایران به حمایت‌ها از متحدانش بیفزاید. منظور آنها خیلی واضح است. آنها به دنبال توقف حمایت‌های ایران از متحدانش هستند، یعنی همان «متحدفروشی». فقط یک لحظه تصورش را بکنید، در میانه یک جنگ ترکیبی نامتوازن علیه کشورمان، عده‌ای در داخل بگویند، بر سر بازوهایمان در منطقه، بر سر متحدانمان، برویم و معامله کنیم. این حماقت را بگذارید کنار درخواستشان برای مذاکره بر سر توانایی‌های موشکی و نظامی‌مان! کدام آدم عاقلی وسط جنگ، متحدانش را فروخته و سلاحش را زمین می‌گذارد؟ آیا تبعات چنین حماقتی را می‌دانید؟

قرن جدید، عصر جدید

روزنامه ابتکار هم به الزامات ایران برای ورود به قرن جدید پرداخته و نوشته است: به لحاظ تقویمی سال ۱۴۰۱ ورود به قرن جدید در تاریخ ایران است؛ ورودی که به نظر می‌رسد با تحولاتی اثرگذار در جهان همزمان شده است؛ تحولاتی که به صورت کلی نشان از ورود جهان به عصر تازه و متفاوت در مناسبات سیاسی، تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت. هرچند برخی صاحبنظران معتقدند جهان از ایده نظم جهانی به سمت بی‌نظمی جهانی پیش می‌رود اما شاید به عنوان یک فرض بتوان این مرحله را دوران گذار برای رسیدن به نظمی نوین در جهان دانست؛ نظمی که متغیرهای اثرگذار آن در بستر تکنولوژی‌های جدید مانند متاورس و روابط بین‌المللی متفاوت شکل خواهد گرفت. حالا سؤال این است که ما در جغرافیای زیستی خود و در آستانه ورود به قرن جدید چگونه باید با این تغییرات هم‌راستا و هم‌استان شویم؟ واقعیت آن است که متأسفانه در برخی موارد ما هنوز اندر خم یک کوچه گیر افتاده‌ایم. برخی نقطه‌نظرات و تصمیم‌گیری‌ها همچنان به سبک و سیاق چند دهه گذشته صورت می‌گیرد، در حالی که باید مقدمات ورود به عصر جدید در قرن حاضر فراهم شود، جدل بر سر ابتدایی‌ترین ابزارهای ارتباطی ذهن‌ها را به خود مشغول کرده است. تردیدی نیست ورود به هر عصر تازه‌ای لزوماً با تغییرات خوشایند همراه نیست، اما با مطالعه تاریخ می‌توان دریافت که قطار توسعه و پیشرفت هیچ گاه منتظر کسی و به تعبیری جامعه‌ای نمی‌ماند تا سوار بر آن شود، بلکه این ما هستیم که باید به‌موقع در مسیر آن قرار گیریم.

گزارش یک

گزارشی از شوی تبلیغاتی جدید علیه قدرت دفاعی ایران

عملیات موفق «اربیل» صهیونیست‌ها را آشفته کرد

رژیم صهیونیستی اخیراً تصاویری از رهگیری دو فروند پهپاد متعلق به جبهه مقاومت را بعد از تقریباً یک سال منتشر کرده است که نگاهی به جزئیات تصاویر و نحوه رهگیری این پرنده‌ها، ضعف جدی گنبد آهنین را نشان می‌دهد.

به گزارش مشرق، در روزهای اخیر بار دیگر دو موضوع مهم با محوریت جمهوری اسلامی ایران و رژیم‌صهیونیستی، مدنظر رسانه‌ها و کارشناسان قرار گرفته است. موضوع اول شهادت دو مستشار سپاه پاسداران در سوریه است که ناجوانمردانه توسط این رژیم به شهادت رسیدند و ان‌شاءالله طبق وعده پاسداران انقلاب، صهیونیست‌ها تاوان آن را به نحو مقتضی و مؤثر خواهند داد اما در کنار آن، اسرائیلی‌ها در روزهای اخیر با انتشار تصاویری، ادعای رهگیری یک پهپاد ایرانی را مطرح کرده‌اند که بنا به اعتراف آنها، در حال نزدیک شدن به سرزمین‌های اشغالی بوده است. نکته مهم این اعلام آن است که عملیات رهگیری توسط جنگنده‌های اف۳۵ رژیم صهیونیستی انجام شده که با توجه به این ویژگی‌ها، اقدام مذکور از چندین منظر قابل توجه و بررسی است.

برای فهم بهتر داستان اخیر باید به ۱۳آذر سال ۱۳۹۰ برویم؛ روزی که شاید یکی از مهم‌ترین حوادث در حوزه دفاعی ایران رخ داد و یک فروند پهپاد جاسوسی آرکیو ۱۷۰ ساخت امریکا که وارد حریم سرزمینی کشور ما شده بود، در تور سیستم‌های جنگ الکترونیکی سپاه قرار گرفت و تقریباً به سلامت در شرق کشور به زمین نشست. دست پیدا کردن ایران به این پهپاد که می‌توان گفت لبه فناوری بدون سرنشین در جهان امروز بود، یک موقعیت منحصربه‌فرد را برای کارشناسان ایرانی ایجاد کرد تا از نزدیک با این تکنولوژی آشنا شوند. ایران قبل از رسیدن به این غنیمت پرارزش نیز کشوری فعال و پیشرو در حوزه پرنده‌های بدون سرنشین بود ولی رسیدن به «جانور قندهار» به صورت جدی ایران را در این رقابت پیش انداخت. ایران از همان دوران برنامه مدونی را نه فقط برای دستیابی به اصرار این پهپاد آغاز نمود بلکه بحث مهندسی معکوس و ساخت نمونه‌هایی بر اساس این پرنده بدون‌سرنشین را نیز آغاز کرد. صنایع دفاعی کشور ابتدا یک نمونه ۱۵درصد از اندازه واقعی این پهپاد را ساختند و در سال ۱۳۹۳ پروسه ساخت دو نمونه ۴۰درصد از پهپاد آرکیو ۱۷۰ با نام‌های شاهد ۱۴۱ و شاهد ۱۶۱ آغاز می‌شود. مدل اول دارای موتور پیستونی و مدل دوم دارای موتور جت است. در سال ۱۳۹۴ نیز ساخت نمونه‌های ۶۰درصد به اسم شاهد ۱۸۱ و ۱۹۱ انجام می‌شود که در اینجا هم مدل ۱۸۱ مجهز به موتور پیستونی و مدل ۱۹۱ نمونه مجهز به موتور جت است.

بر اساس تصاویر منتشرشده توسط صهیونیست‌ها، این بار سامانه‌های پدافندی و راداری آنها با یک پهپاد مجهز به پیشران پیستونی طرف بوده‌اند که ظواهر امر نشان می‌دهد پرنده مورد استفاده در این عملیات، شباهت‌هایی به شاهد ۱۸۱ یا ۱۴۱ داشته است.

■ آشنایی با شاهد ۱۴۱ و شاهد ۱۸۱

شاهد ۱۴۱ یک پهپاد با اندازه ۴۰درصد نسبت به آرکیو ۱۷۰ امریکایی است و در کنار بحث استفاده از موتور پیستونی امکان حمل حداقل دو تیر از خانواده مهمات مینیاتوری مثل سری سدید را دارد. شاهد ۱۸۱ پهپاد شناسایی، مراقبت و رزمی است که نمونه ۶۰درصد و موتور آرکیو ۱۷۰ است و طی سال‌های گذشته به صورت انبوه در نیروی هوافضای سپاه تولید شده است. این پهپاد با برد هزارو ۵۰۰ کیلومتر، مداومت پروازی ۴/۵ ساعت، سقف ارتفاع پروازی ۲۵هزار پا و دارای بیشینه وزن برخاست ۵۰۰کیلوگرم است که توان حمل دو تیر بمب هدایت‌شونده از سری سدید را دارد. این پرنده بدون سرنشین مسلح نیز بر اساس الگوبرداری از پهپاد آرکیو ۱۷۰ غنیمت گرفته شده از امریکا تکمیل شده است و از پیشران توربوپراپ بهره می‌برد. نکته جالب اینکه صهیونیست‌ها ادعا کرده‌اند پهپاد مورد نظر، شاهد ۱۹۷ با سرعت ۲هزار کیلومتر بر ساعت است. سوای اینکه تا به امروز پهپادی به نام شاهد ۱۹۷ توسط ایران معرفی نشده است، این مسئله که چطور یک پرنده بدون سرنشین مجهز فقط به یک موتور پیستونی می‌تواند به سرعت بیش از ۱/۵ ماخ! برسد هم از جمله شاهکارهای فنی و اطلاعاتی است که به نظر فقط از صهیونیست‌ها برمی‌آید و نشان می‌دهد علاوه بر سردرگمی آنها برای کشف حقیقت، تلاش دارند خود را در این عملیات، پیروز نشان دهند.

■ روایتی از نفوذ به سرزمین‌های اشغالی

آنچه صهیونیست‌ها در خصوص این عملیات گفته‌اند این است که پروسه شناسایی و انهدام پهپاد وارد شده به سرزمین‌های اشغالی، در تاریخ ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۹۹ رخ داده است و طی آن و بر اساس تصاویر، دو پهپاد به اعتقاد آنها ایرانی، توسط جنگنده‌های اف ۳۵ اسرائیلی رهگیری و سرنگون شده‌اند، همچنین آنها مدعی شده‌اند پهپاد سوم نیز توسط جنگ الکترونیک ساقط شده است. در عین حال اسرائیلی‌ها ادعا کرده‌اند در پروسه شناسایی و رهگیری این پرنده‌های بدون سرنشین، این اهداف را به وسیله سیستم‌های شناسایی و مراقبتی زمین‌پایه تحت نظر داشته‌اند، البته باید توجه داشت تأکید صهیونیست‌ها درباره شناسایی این پهپادها توسط سامانه‌های زمین پایه، کاملاً با روایت کلی ماجرا تناقض دارد؛ اگر این رهگیری به صورت موفق و ادامه‌دار بوده است، مشخصاً امکان ارسال اطلاعات به سیستم‌های تسلیحاتی و شلیک و انهدام از یک سامانه زمین‌پایه مثل سری گنبد آهنین یا فلاخن داوود، گزینه ارزان‌تر و ساده‌تری نسبت به پرواز اف۳۵ به حساب می‌آید، اما حالا که بحث رهگیری هوایی به میان می‌آید پس یعنی یا روایت شناسایی و تعقیب زمینی دقیق نبوده است یا سیستم‌های زمین‌پایه اسرائیلی توان درگیری با هدف جدید را نداشته‌اند.

نکته جالب دیگر اینکه تصاویر منتشرشده توسط صهیونیست‌ها از پهپاد مورد نظر، از دید سیستم اپتیکی موسوم به EOTS یا سامانه تصویربرداری کلاه خلبان در جنگنده اف۳۵ است. در این مرحله دقیقاً نمی‌دانیم از چه سلاحی برای این درگیری استفاده شده است ولی به دلیل اثر کم گرمایی هدفی مثل پهپادهای مورد نظر، معمولاً ترکیبی از اطلاعات به دست آمده از سامانه‌های اپتیکی به موشک‌های هدایت راداری سری امرام منتقل شده و عملیات پرتاب موشک انجام می‌شود. یک سؤال مهم دیگر در خصوص این درگیری این است که چرا اسرائیلی‌ها از دیگر پلت‌فرم‌های پروازی خود مثل اف۱۵ و اف۱۶ استفاده نکرده‌اند؟

مشخصاً هزینه استفاده از این جنگنده‌ها برای عملیات اینچنینی پایین‌تر است. شاید تنها پاسخ قابل ارائه در این خصوص این است که اصولاً دیگر پرنده‌های اسرائیلی، حتی با سیستم‌های جست‌وجوگر اپتیکی نیز توان یافتن این هدف را نداشته‌اند و اسرائیلی‌ها مجبور به وارد کردن پیشرفته‌ترین جنگنده خود به میدان شده‌اند. در عین حال بر این مسئله نیز در رسانه‌های غربی تأکید شده که این درگیری اولین رزم واقعی جنگنده اف۳۵ در شرایط جنگ هوا به هوا بوده است.

■ تمرین یا نبرد واقعی، مسئله این است!

بر اساس تصاویر منتشر شده توسط صهیونیست‌ها آنچه از برخی از این پهپادها به دست آمده است، تعداد سلاح کمری بوده و مشخصاً و با نگاهی به وضعیت تسلیحات سبک در اختیار نیروهای مبارز در غزه مشخص می‌شود رساندن تعدادی اسلحه کمری به این منطقه با پهپادی به این شکل، قصد اصلی نبوده و صرفاً یک آزمایش برای امکان رساندن برخی محموله‌های کوچک ولی خاص برای این منطقه است. این پروسه هم برای نیروهای مقاومت و هم برای صهیونیست‌ها، درس‌های مهمی به همراه دارد اما مهم‌ترین درس آن، این بود که آنچه در این میان توسط اسرائیلی‌ها به میدان آمد، نهایت توان رهگیری و دفاع هوایی آنها بود ولی آنچه قدرتی همچون جمهوری اسلامی ایران بتواند به میدان بیاورد، صدها بار سریع‌تر، مدرن‌تر و پیچیده‌تر از مدل‌های کوچک و مجهز به موتور پیستونی همچون پرنده‌های فوق است.

همان طور که گفته شد حادثه مورد نظر در اسفند ماه سال ۱۳۹۹ رخ داده و قطعاً ارزش عملیاتی خاصی برای اسرائیلی‌ها نداشته است و می‌توان به خوبی متوجه شد، نیروهای مقاومت در حال تست سیستم‌های دفاع هوایی در سرزمین‌های اشغالی بوده‌اند اما سؤالی که مشخصاً پیش می‌آید این است که چرا امروز و تقریباً بعد از یک سال از این حادثه اقدام به انتشار این تصاویر کرده‌اند؟ دلایل مختلفی در خصوص این اقدام می‌توان متصور شد که مهم‌ترین آنها، مشکلات داخلی رژیم صهیونیستی و تلاش برای بزرگنمایی اقدامات پهپادی برای انحراف افکار عمومی، تلاش برای تهدید نشان دادن ایران در آستانه به نتیجه رسیدن مذاکرات برجامی یا تحت‌الشعاع قرار دادن قدرت پهپادی ایران در ایام رونمایی از شهر پهپادی سپاه پاسداران است.

دفاعی

سرلشکر موسوی: جوانان ارتشی جای خالی صیاد و ستاری و سلیمانی و باقری را پر خواهند کرد

اگر دشمنان بخواهند در مقابل دین و آرمان‌های روشن و درخشان ما و همچنین در مقابل سعادت ملت ما بایستند، ما در مقابل تمام دنیای آنها خواهیم ایستاد.

به گزارش مهر، امیر سرلشکر موسوی روز گذشته در آیین اختتامیه هفتمین دوره جامع‌پذیری نظامی مشترک دانش‌پژوهان آموزشگاه‌های درجه‌داری ارتش گفت: همه می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد با پی‌ریزی یک تمدن نوین اسلامی، زمینه برقراری عدالت و ظهور منجی عالم بشریت را فراهم کند و مشخص است که تمامیت‌خواهان، زورگویان و سردمداران نظام سلطه و مخالفان حق و عدالت با تمام قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی در مقابل این آرمان‌های نورانی، جبهه خواهند گرفت. ما به پیروی از آن امام عظیم‌الشأن می‌گوییم اگر دشمنان بخواهند در مقابل دین و آرمان‌های روشن و درخشان ما و همچنین در مقابل سعادت ملت ما بایستند، ما در مقابل تمام دنیای آنها خواهیم ایستاد و تا امروز نیز ایستاده‌ایم.

وی اظهار داشت: جوانان حاضر در این میدان به خوبی می‌دانند که ما تا به امروز برای حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و سربلندی این ملت بیش از ۲۰۰هزار شهید تقدیم انقلاب کرده‌ایم، اما پا به این میدان گذاشتند تا بگویند میدان هرگز از صیاد شیرازی، ستاری، همتی، آبشناسان، باکری، سلیمانی، باقری و حجتی‌ها خالی نخواهد ماند و هر پرچمی از دست علمداری بیفتد، صدها جوان انقلابی بازو در بازوان هم پرچم را برافراشته خواهند داشت.

فرمانده کل ارتش خاطرنشان کرد: راه رسیدن به آرمان‌های بزرگ، سختی کشیدن و عبور از گردنه‌های پرپیچ و خم و پرفراز و نشیب هم دارد، اما با بصیرت انقلابی امیدوار و با انگیزه این راه سخت ولی پر افتخار و نورانی را انتخاب و لباس سربازی ارتش اسلام و لباس جهاد را بر تن کردند.

سرلشکر موسوی جهاد را یکی از باب‌های بهشت دانست و خطاب به دانش‌آموختگان ارتش گفت: پوشیدن لباس خدمت بر شما مبارک باشد و این نشان از عزت و افتخار انقلاب اسلامی است که چنین جوانان غیور و عزتمندی را پرورش داده است.

وی یادآور شد: ما یک روز به دنبال تشکیل ارتش ۲۰میلیونی بودیم اما امروز علاوه بر نیروهای مسلح مرسوم ده‌ها میلیون بسیجی داریم. بدخواهان و دشمنانی که به خود دلخوشی می‌دادند که این انقلاب به مرور کمرنگ شود، بروند برای دلخوشی خود راه دیگری پیدا کنند. ایران، مقتدر، سربلند، استوار ایستاده و به احدی باج نخواهد داد.

گزارش ۲

عضو کارگروه حقوق بشر مجمع بین‌المللی اساتید:

امریکا و غرب شریک جنایت‌های رژیم آل‌سعود هستند

غربی‌ها به واسطه خرید نفت از سعودی‌ها و فروش سلاح به آنها صاحب منافع سرشاری می‌شوند، برای همین از جنایت‌های عربستان و اقدامات ضدحقوق بشری آنها حمایت یا در مقابل آن سکوت می‌کنند.

احمد مؤمنی‌راد، عضو کارگروه حقوق بشر مجمع بین‌المللی اساتید مسلمان دانشگاه‌ها در گفت‌وگو با فارس، ضمن اشاره به گردن زدن ۸۱ نفر در یک روز توسط رژیم‌سعودی گفت: متأسفانه کارنامه رژیم سعودی در زمینه حقوق بشر کارنامه بسیار فاجعه‌باری است، این رژیم در سال ۲۰۲۱، ۶۷نفر، در سال ۱۹۸۰، ۶۱ نفر و در سال ۲۰۱۶، ۴۷ نفر از جمله روحانی برجسته شیعه شیخ نمر را اعدام کرد. وی افزود: جنگی که چندین سال است رژیم آل‌سعود علیه مردم مظلوم یمن به راه انداخته و کودکان و زنان را می‌کشد، نشان‌دهنده این امر است که متأسفانه عربستان به رژیم حقوقی بین‌الملل پایبندی ندارد. شورای حقوق بشر سازمان ملل، شورای امنیت سازمان ملل، نهادها و کمیته‌های حقوق بشری سازمان ملل، کمیساریای عالی حقوق بشر و سایر نهادهای بین‌المللی که ادعای رصد تحولات حقوق بشری دارند، باید نقض آشکار حقوق بشر در عربستان را بررسی و محکومیت قطعی این کشور را صادر کنند. مؤمنی تصریح کرد: اعدام‌های عربستان از جهات مختلفی قابل بررسی است. بر اساس اطلاعات منتشر شده ۸۱نفر اعدام شدند که ۴۱نفر از آنها ساکن منطقه شیعه‌نشین قطیف و الاحصا در شرق عربستان بودند، مردم این مناطق به هیچ وجه اقدام نظامی علیه حکومت سعودی انجام نداده و در طول سالیان گذشته صرفاً اعتراض مسالمت‌آمیز داشته‌اند. رژیم سعودی جهت فریب افکار عمومی داخلی و خارجی، این افراد را در کنار متهمان به فعالیت‌های تروریستی قرار داد.

وی سکوت کشورهای غربی و مدعی حقوق بشر در قبال جنایت‌های رژیم سعودی را نشان‌دهنده استانداردهای دوگانه این کشورها دانست و گفت: امریکا و کشورهای غربی که خودشان را نگهبان، پاسدار و رصدکننده حقوق بشر در دنیا می‌دانند، در مقابل این جنایات سکوت کرده‌اند و سکوت کردن این کشورها نشان‌دهنده استاندارد و رفتار دوگانه آنان است.

مؤمنی تأکید کرد: در زمینه‌های مختلف شاهد دوگانگی در رفتار کشورهای غربی هستیم، اگر مسئله کوچکی در ایران رخ دهد، غربی‌ها موضع می‌گیرند و محکوم می‌کنند، در حالی که الان راه سکوت را در پیش گرفته‌اند و این اقدام آنها به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: اصولاً حقوق بشر ابزاری برای رسیدن به منافع نامشروع امریکا و کشورهای غربی است. آنها دولت‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کنند؛ کشورهایی که با آنها هستند و کشورهایی که مواضع همسو با آنان ندارند و طبیعتاً در قبال آنها رفتار دوگانه‌ای اتخاذ می‌کنند. سازمان ملل هم صریحاً اعلام کرد، اگرچه عربستان کشوری کودک‌کش است اما به دلیل تأمین بخشی از بودجه سازمان ملل، نام این کشور را در لیست کشورهای کودک‌کش نمی‌آوریم، یعنی چون عربستان پول دارد، محکوم نمی‌شود.

افول هیمنه

دکتر مصطفی یقینی‌پور*

افول استقلال قوا در امریکا

سیستم تفکیک قوا (Separation of powers) در امریکا، یکی از ارکان و مشخصه‌های نظام سیاسی آن معرفی می‌شود اما واقعیت‌های عینی از تغییر و افول تفکیک قدرت و انسجام قوای سه‌گانه از اعمال سلطه و نفوذ گروه‌ها و لابی‌ها (Lobby) در ساختارهای اجرایی، تقنینی و قضایی امریکا حکایت دارد.

در پاسخ به اینکه نفوذ و سلطه لابی‌ها و گروه‌های نفوذ صهیونیسم بر نظام سیاسی امریکا چگونه و تا چه حدی است؟ پژوهشگران به این جمله مشهور ریچارد نیکسون، رئیس جمهور پیشین امریکا اشاره می‌کنند که گفته بود: «مشکل امریکا با اسرائیلی‌ها در حل بحران خاورمیانه (در داخل اسرائیل) کمتر از مشکل امریکا با یهودیان (در داخل امریکا) بود.» اخیراً نیز کوهن، وزیر دفاع سابق امریکا به مجله الحیات می‌گوید: «پایبندی و حمایت ما از اسرائیل، اصولاً بخشی از استراتژی امریکاست.» در واقع پس از سال ۱۹۴۸ و کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی انگلیس در عرصه روابط بین‌الملل، تمایل و توجه صهیونیست‌ها به دولت امریکا بیشتر جلب شد، البته ریشه و تماس‌های نخستین خاندان‌های صهیونیست با امریکا در سال ۱۷۹۰ دوران جرج واشنگتن برقرار شده بود. روزنامه «ژون افریک» درباره تعداد این سازمان‌ها و گروه‌های فعال در امریکا نوشته است: «۲۸۱ سازمان یهودی و ۲۵۰ اتحادیه منطقه‌ای در این کشور وجود دارد.» روزنامه «جروزالم پست» در گزارشی از وجود ۹۰۰ جمعیت صهیونیستی در امریکا خبر داده است. کمیته روابط عمومی امریکا- اسرائیل مشهور به اِی‌پَک (American Israel Public Affairs Committee)، با بیش از ۱۰۰ هزار عضو یکی از قدرتمندترین گروه‌های لابی‌گری در امریکاست که تحت قانون فدرال امریکا ثبت شده است.

در جامعه امریکا گروه‌های فشار صهیونیستی، پدیده ویژه‌ای هستند که اعضای آن درباره منافع و اهداف مشترک خاص به توافق می‌رسند. اینها به دو دسته گروه «منافع اقتصادی» یا «شهروندان» (Citizens group) و گروه قضایا (cause groups) تقسیم می‌شوند. از اهداف و برنامه‌های این جریان می‌توان زیر اشاره داشت:

۱. ایجاد پیوندهای مشترک بین منافع امریکا و اسرائیل، جلب حمایت اعضای کنگره از اسرائیل به نحوی که «لقب پادشاه کنگره» را به آیپک داده‌اند.

۲. سرمایه‌گذاری در نفوذ بر سیاست‌های دولتی و مقامات اجرایی برای دریافت کمک‌های مالی و تسلیحاتی شامل بیش از ۱۴۰ میلیارد دلار از سال ۱۹۵۱ تا ۲۰۱۳.

۳. نفوذ و تأثیرگذاری بر انتخابات‌ها برای دادن رأی به نامزدهای طرفدار اسرائیل. طبق گزارش واشنگتن‌پست حمایت مالی آنها از کاندیداهای جمهوریخواه و دموکرات به ترتیب ۳۵ و ۶۵درصد بوده است.

۴. مالکیت و کنترل مطبوعات و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی به نحوی که از چهار روزنامه مشهور امریکا وال استریت ژورنال، واشنگتن پست، نیویورک تایمز و شبکه‌های ABC، CBS، NBC را در اختیار دارند.

۵. حمایت از سرمایه‌داران و کمپانی‌های تجاری- صنعتی صهیونیسم.

۶. جذب شمار گسترده یهودیان مهاجر.

۷. تأسیس و نفوذ در مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی امریکا با حضور بیش از ۲۰۰ واحد آیپک در دانشگاه‌های امریکا.

عمق نفوذ و سلطه صهیونیست‌ها بر امریکا را می‌توان در این جمله آریل شارون فهمید که گفته بود: «من می‌خواهم نکته روشنی را یادآور شوم که از فشار امریکا بر اسرائیل هراسی نداشته باشید، زیرا ما یهودیان هستیم که کنترل امریکا را به دست داریم و خود امریکایی‌ها به خوبی این را می‌دانند.»

همچنین گیلاد آتسمون، نویسنده انگلیسی بر مبنای اسناد جمع‌آوری کرده درباره قدرت مافیای صهیونیسم در امریکا می‌نویسد: «آیپک در امریکا، عامل و مسبب شروع جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ بود. در فرانسه نیز این لابی مشهود سبب شد فرانسه در جنگ لیبی آن اقدامات را صورت بدهد.»

این سلطه به نحوی است که از سال ۱۹۴۸ تاکنون حدود ۹۰ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل مربوط به اراضی اشغالی توسط امریکا وتو شده و لابی صهیونیستی در عالی‌ترین سطوح توانسته است سیاست‌ها و اقدامات دولت امریکا را مدیریت کند. همچنین پطرس غالی، دبیر کل سابق سازمان ملل در خاطراتش نوشته بود: «سال ۱۹۹۵ زمانی که گزارش تکان‌دهنده کشتار کودکان قانا توسط هواپیماهای رژیم صهیونیستی را دریافت کردم، به شدت تحت تأثیر قرار گرفتم اما قبل از انتشار این گزارش، مادلین آلبرایت، نماینده وقت امریکا در سازمان ملل و وزیر خارجه امریکا، مرا تهدید کرد که اگر گزارش بمباران قانا را منتشر کنم، امریکا اجازه نخواهد داد برای بار دوم به عنوان دبیر کل سازمان ملل انتخاب شوم اما من این گزارش را منتشر کردم» و نتیجه آن شد که پطرس غالی تنها دبیر کلی بود که فقط یک دوره پنج ساله به عنوان دبیر کل سازمان ملل انتخاب شد. هانس استلینگ در گلوبال ریسرچ با اشاره به فساد سیاسی لابی صهیونیسم در امریکا می‌نویسد: «این فساد سیاسی با حجم گسترده‌اش نمادهای بزرگی دارد که این قمار جهانی را پیش می‌برند، معاملات بین‌المللی و بانکداری جهانی را تشکیل می‌دهند، بدون اینکه مورد موشکافی عموم قرار بگیرد. اولین ژست سیاسی هر نامزد ریاست جمهوری امریکا حضور در برابر لابی قدرتمند طرفداران اسرائیل پیش از انتخابات است. این لابی که اعضای آن انتخاب نمی‌شوند، فشار سیاسی زیادی را وارد می‌کنند و می‌گویند دموکراسی در امریکا چگونه باید پیش برود.»

در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ حضور طیف گسترده‌ای از یهودیان صهیونیست در مقام مشاوران ترامپ به ویژه دیوید فریدمن سفیر جدید اسرائیل، جرالد کوشنر داماد و مشاور ترامپ و کرین‌بلانت نماینده ویژه ترامپ در مذاکرات صلح بین‌الملل، زمینه پیشبرد سریع نقشه‌های رژیم صهیونیستی به ویژه مذاکرات صلح و عادی‌سازی روابط کشورها با این رژیم و سپس انتقال سفارت امریکا از تل‌آویو به قدس را فراهم ساخت. برای رمزگشایی از این هزینه‌کرد ترامپ، لازم است به میلیاردرهای یهودی از جمله شلدون آدلسون و رونالد لاوده که ده‌ها میلیارد دلار به کمپین انتخاباتی ترامپ کمک کردند، اشاره کرد. این روند موجب شده است ساختار سیاسی امریکا به سمت الیگارشی سوق پیدا کند.

*کارشناس مسائل سیاسی

گزیده خبر

نیکزاد اقدامات نظارتی و تقنینی مجلس در سال ۱۴۰۰ را تشریح کرد

از باز شدن گره هفت‌تپه تا آبرسانی به مناطق محروم

نایب رئیس مجلس اقدامات نظارتی و تقنینی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۰ را تشریح و تأکید کرد: قانونگذاری و نظارت با قوت در سال آینده ادامه می‌یابد.

علی نیکزادثمرین، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خانه ملت، با اشاره به اقدامات مجلس انقلابی در سال جاری اظهار داشت: مجلس شورای اسلامی دو وظیفه قانونگذاری و نظارت را بر عهده دارد. ساختار نظارتی مجلس در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰ با شش ماهه دوم تفاوت‌هایی داشت، البته این دو وظیفه هیچ‌گاه از هم جداشدنی نیست. نماینده مردم اردبیل، نیر، نمین و سرعین در مجلس یازدهم افزود: قطعاً باید بر نحوه صحیح اجرای قوانین توسط قانونگذار نظارت شود، لذا وظایف نظارتی و تقنینی در مجلس به یکدیگر وابسته است، اما در مجلس و در شش ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰، رئیس مجلس و نواب و نمایندگان در قالب نظارت میدانی و به دلیل اینکه این احساس را داشت